

برقراری مساوات در بهره‌مندی از واقعیت‌های گوناگون اقتصادی، سیاسی، علمی و... یکی دیگر از مصداق‌های عدالت است. امام علی (ع) یکی از علل عدم اجرای حق را رویگردانی حاکمان از آن معرفی می‌کند:

اما بعد فان الوالی اذا اختلف هواه منعه ذلك کثیرا من العدل.

برقراری مساوات زمانی پدید می‌آید که حاکمان خواهش‌های نفسانی خود را کنترل کرده و از دگرگونی رأی و اندیشه خود جلوگیری کنند.

سرمه مقاله

عدالتخواهی؛ ضد امنیت یا در راستای امنیت؟

مریم عطارزاده (عضو شورای مرکزی مجمع دانشجویی آرمان)

محافظه‌کاری، به معنای راضی بودن به وضع موجود و عدم تلاش برای تغییر فضا، همواره وجود داشته و در تقابل با عدالتخواهی، که راضی نبودن به وضع موجود و تلاش همیشگی برای تغییر و اجرای هر چه بیشتر عدالت است، قرار می‌گرفته است.

این محافظه‌کاری، گاهی به شکل امنیتی کردن فضا و خطاب دیگران به عنوان همراهان دشمن، گاهی به شکل دسته‌بندی کردن عدالتخواهی و عدالتخواهان و ترویج نوعی از عدالتخواهی بی‌دردسر برای مفسدان جامعه، و اخیراً به شکل ترویج همه‌جانبه‌ی دوگانه امنیت و عدالت بروز می‌کند.

دوگانه‌ای که عدالتخواهی نتیجه‌گرا را کاملاً و بدون هیچ قیدی، در تضاد با امنیت ملی می‌داند و هرگونه تلاش مردم و دانشجویان در راه احقاق حقوق دیگران را ضد امنیت می‌خواند.

این در حالیست که در سخنان امام و رهبری، نسبت امنیت و عدالت، نسبتی مشخص است و عدالت را اساس و دلیل وجود جمهوری اسلامی می‌دانند.

از سوی دیگر، عدالت اصلی است که بدون آن سایر ارزش‌ها نیز تحقق نمی‌یابند؛ ارزش‌هایی مانند: اخلاق، امنیت، فرهنگ و... در سایه‌ی این ارزش حیاتی تحقق می‌یابند؛ چرا که حس نبود عدالت در جامعه، ارزش‌های اخلاقی را در انسان‌ها نابود می‌کند و واقعیت عدم وجود عدالت در جامعه، دسترسی همگان به ارزش‌هایی مانند عدالت را قطع می‌کند و در نهایت، خواه با تحریک یا بی‌تحریک دشمن، موجب برهم خوردن امنیت جامعه می‌شود و از این جا در می‌یابیم که نپرداختن به عدالت و اجرای آن در جامعه یا صرفاً گفتن حرف‌های زیبا در مورد آن و عدم مطالبه صریح آن، دقیقاً ضدامنیت‌ترین عمل است و برعکس، پرداختن به آن، بزرگترین کمک به نهادینه کردن امنیت در جامعه است. چرا که وقتی آحاد جامعه اجرای عدالت در جامعه را لمس کنند و حس برخورداری از عدالت در آن‌ها وجود داشته باشد، دیگر با تحریک هیچ نیروی خارجی امنیت به خطر نمی‌افتد و دلیل داخلی برهم خوردن آن نیز، خود به خود از بین می‌رود.

یکی از اشکالاتی که این افراد به اقدامات عدالتخواهانه وارد می‌کنند، منحرف شدن اعتراضات و یا نفوذ افرادی در آن است. این موضوع با ورود افراد انقلابی به اعتراضات به حق مردم و مطرح کردن و تلاش در جهت حل مشکلات آن‌ها، حل خواهد شد؛ کما اینکه نمونه‌های موفق نیز در اعتراضاتی که در سال ۹۷ اتفاق افتاد، وجود داشت؛ مانند اعتراضاتی که در خوزستان اتفاق افتاد.

اما از سمت دیگر، فضا برای اقدامات عدالتخواهانه و مطالبه‌گرانه باید باز باشد، همانطور که در حمایت‌های پرشمار رهبری از این گونه اقدامات، بخصوص از سوی دانشجویان، شاهد هستیم؛ چرا که همانطور که گذشت، این اقدامات کاملاً به تحکیم امنیت ملی می‌انجامند.

سیل مهربانی

صفحه ۲



سیل مهربانی...

فاطمه خیدری (عضو سابق شورای مرکزی مجمع دانشجویی آرمان)

«امروز حالم خوب است! فوج فوج بچه‌های جهادی وارد شهر شدند! پاکسازی خانه به خانه شروع شده. بچه‌های ارتش هم دست به بیل شدند سرهنگ ناجا هم. امروز چندبار بغض گرفت، شهر یکدست نظامی است. یاد فیلم «چ» افتادم! تدبیرهای چمران، غیرت شهید تیمسار فلاحی و انقلابی‌گری شهید اصغر وصالی در مقابل بی‌کفایتی دولت بازرگان!»

این‌ها قسمتی از روزنوشت‌های جوادموگویی مستندسازی است که از روزهای اول سیل خودش را به لرستان رسانده است. حدود دو هفته از وقوع سیل در کشور می‌گذرد و اتفاقات این روزها شبیه معجزه است! سن ما به جنگ قد نمی‌دهد اما پدران و مادرانمان همیشه برایمان از آن روزها روایت کرده‌اند. هرچه بیشتر این روزها را می‌بینم بیشتر شباهتش را با آن روایت‌های جذاب، غرورآفرین و سخت، پی‌می‌برم. حضور فرمانده سپاهی که درجه‌های روی شانه‌اش را برداشته تا اینجا فرمانده نباشد و فقط برای خدا خدمت کند، و این چیزی جز زیبایی نیست! یا فرمانده ناجا پل دختر که خانه خودش را سیل برده و تا به امروز آنقدر درگیر خدمت‌رسانی به خانه‌های مردم بوده که حتی سراغ خانه‌اش نیز نرفته است! چه می‌شود که در عصر اینترنت و ماهواره و مدرنیته، یک نوجوان هجده ساله هشتادی، یکه و تنها از شهریار راه می‌افتد سمت لرستان و به چه سختی خودش را به پل دختر می‌رساند و می‌داند که آنجا جز بیل و بی‌خوابی و گل‌زدایی، هیچ چیزی انتظارش را نمی‌کشد! اگر دستاورد چهل‌ساله انقلاب اسلامی همین یک نوجوان باشد کافی است که باور کنیم انقلاب خمینی زنده است!

همیشه پای سپاه در میان است؛ از دفاع از حرم تا دفاع از وطن، پاسدارها اصولاً از لباس‌هایشان خوب مراقبت نمی‌کنند! سوریه لباس‌هایشان را خونی کرده بودند و اینجا خاکی و گلی... در روز پنجم پس از سیل سه هزار نیروی سپاه، ارتش، هلال احمر، ناجا، بسیج و مردمی در منطقه لرستان بودند. هرکسی دست بچه‌های هیئتش را گرفته و آمده گوشه‌ای از کار را به دوش بکشد. همه آمده‌اند؛ حتی جانبازی که یک پایش در جبهه جامانده است! جوان خوزستانی که یک دستش در گچ است اما غیرتش اجازه نمی‌دهد بنشیند و تماشا کند و با دست دیگرش به هرسختی که شده سیل‌بند درست می‌کند. نوشته بود: «واقعاً آخوندها حمله کردند به لرستان! من این همه آخوند جز در قم جایی ندیده بودم آن هم همگی چکمه‌پوش و بیل به دست! هر روز بر تعدادشان افزوده می‌شود. گل‌زدایی می‌کنند و هم‌زمان تهمت و فحش و هم نصیبشان می‌شود! در جواب هم فقط سکوت می‌کنند و بیشتر بیل می‌زنند!» این‌ها واقعیت‌های موجود امروز جامعه‌مان است! روحانیت مظلوم مبارز! کجا می‌توان دید که فرمانده ارتشی تا کمر خم شود که مردم پا روی کمرش بگذارند و از سیل و سیلاب دور

ایران | لرستان



سوریه | حلب

آذوقه می‌فرستند! همان حلبان با همان هواپیما این بار در مأموریت پل‌دختر... آری آدم‌های سوریه همان آدم‌های سرپل‌دهاب و پل دخترند، با همان لباس‌ها و سرو شکل...

مرزها اهل زمینند و تو اهل آسمان آسمان شام یا ایران چه فرقی می‌کند؟!

بهشت برای بعضی‌ها همین شب‌های جهاد و مبارزه است. گاهی بهشتشان در سوریه و عراق است و گاهی در پل دختر و خوزستان... هر جا که صدای مظلومی شنیده شود...

من نمی‌دانم رسانه‌های رسمی کشور ما دقیقاً کجا هستند؟! ما به شدت نیاز داریم این روزهایمان را فراموش نکنیم، این روزهایی که اگر نبودند چهارتا بچه بسیجی بیل به دست و بچه حزب‌اللهی‌های جهادگر و سپاه و ارتش واقعاً معلوم نبود چه بلایی برسر این مردم بی‌پناه می‌آمد! ما به شدت نیاز داریم که یادمان نرود مسئولی که درد فقیر و استضعاف را نچشیده باشد در مواقع بحران هم باید در سواحل نیلگون خلیج فارس دنبالش بگردیم! ما به شدت نیاز داریم که فراموش نکنیم در موقع بحران چه کسی به دلمان رسید؟! همان‌هایی که در سوریه و عراق لباسشان خونی شد و این بار در لرستان گلی، یا آن‌ها که عاشورای ۸۸ فریاد می‌زدند نه غزه نه لبنان جانم فدای ایران؟! ما نیاز داریم که یادمان نرود این روزها چه کسانی با ما بودند و چه کسانی در وبلاهایشان زیر پتو نشستند و روایت‌های شبکه من و تو را می‌بینند و ژست روشن‌فکری می‌گیرند! و چه خوش‌گفت شهید چمران که وقتی

کوس جنگ به صدا در می‌آید مرد از نامرد مشخص می‌شود. همه آمدند حتی نامردها! با کت و شلوارشان آمدند چند عکس سلفی گرفتند و جوری که خط اتوی لباسشان به هم نریزد بازگشتند! حجم کمک‌رسانی بالاست اما این همه نیرو هرچقدر هم که پای کار باشند باز زورشان به این حجم از خرابی نمی‌رسد. کسانی باید باشند به اسم «مسئول» که هرچه گشتیم و می‌گردیم نیستند! یک نفرشان در جزیره قشم رویت شده بود که بعدها هم در حال افتتاح فاز جدید متروی تهران، در سوگ بازیگری که اخیراً فوت شده پست می‌گذاشت! کاش آقایان دولتی حداقل تکلیفشان را با خودشان روشن کنند که اگر نمی‌خواهند کار کنند بودجه و امکانات را در اختیار همین ارتشی‌ها و سپاهی‌ها و جهادی‌ها بگذارند که کار با سرعت بیشتری پیش برود! باز هم به معرفت وزیر ارتباطات که از شب‌های اول خودش را رساند. سیل همیشه هم بالای آسمانی نیست، بالای آسمانی حال حاضر مسئولینی هستند که در راه مسیر رودخانه، خانه می‌سازند و مردم را خانه‌خراب می‌کنند و تا بیایند جلسه مدیریت بحران تشکیل دهند، ۱۷ نفر در شیراز جانشان را از دست داده‌اند! یک نفر نیست به این‌ها بگوید آقایان شما خودتان بحران هستید دیگر شوخی مدیریت بحران را با ما نکنید! دنیا را آب برده، شما به این فکر هستید که آن طرف شیراز را سد تنگ سرخ بزنید که معلوم نیست در سیل بعدی قرار است جان چند نفر را بگیرد! بالای آسمانی یعنی بالای شهر باران ببارد، پایین شهر را سیل ببرد و هیچکس هم صدایش در نیاید که این شیب ویرانگر دسته گل کدام مسئول بی‌تدبیری است که اینگونه خانه زندگی مردم را به آب داده است؟! و هیچ رسانه‌ای هم نباشد که بنویسد: این حجم خرابی به دلیل ضعف بنای ساختمان‌ها بوده و در شمال شهر خانه‌ها یک خراش هم برنداشته‌اند و مثل همیشه این مردم محروم هستند که تاوان بی‌تدبیری مسئولین را می‌دهند! بالای آسمانی یعنی مردم منطقه‌ای از شدت محرومیت آرزو کنند کاش خانه ما هم خراب شده بود تا نیروهای جهادی آن را از نو ساخته بودند و از این خانه کاهگلی که بوی نامی‌دهد راحت می‌شدیم!

این روزها دقیقاً همان روزهای دفاع مقدس است که عده‌ای جهادگر در جبهه خون‌یکدیگر را تمیز می‌کردند و امروز در لرستان و خوزستان گل از سر و روی هم می‌شویند و عده‌ای دیگر در شهر مثل زالو خون مردم را می‌مکنند! و کی تمام می‌شود این سناریوی خدمت به نام مردم به کام خودشان، نمی‌دانم! شاید وقتی که تصمیم بگیریم در انتخابات هم شبیه بحران جنگ، زلزله و سیل عمل کنیم! امت واحده که باشیم، دلمان که برای هم بتپد، سیل محبت را که به سمت هم سرازیر کنیم، نه زلزله می‌تواند غمگینمان کند، نه سیل می‌تواند سد راهمان شود، نه تحریم اثر دارد و نه مسئول بی‌کفایتی بر مسند قدرت خواهد ماند!

مژده

نازنین آرمان

اگر شما هم تا کنون به این مقوله مانند من فکر کرده باشید که در سرتاسر جهان دولتمردان به وعده‌هایشان عمل نمی‌کنند، بسیار اشتباه فکر کرده‌اید و نیاز به تجدید نظر دارید. وقتی دولتمردی وعده می‌دهد، دقیقاً به وعده‌اش عمل می‌کند.

قبل از آغاز مسئله من خود به شخصه علامه دهخدا را مقصر می‌دانم. بله در این میان فقط دهخدا مقصر است، چرا که معنای این لغت را نوید و مژده گذاشته، اگر معنا را عمل می‌گذاشت به طور حتم وضع این چنین نبود! بله دهخدا مقصر است و دولتمردان هیچ کوتاهی ندارند، آن‌ها فقط مژده و نوید می‌دهند.

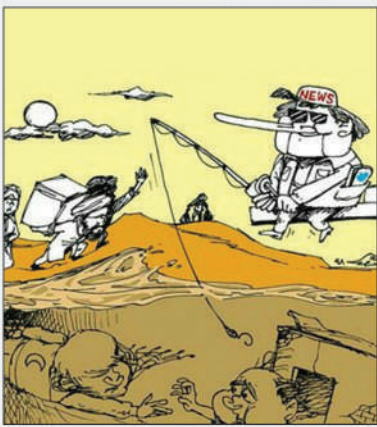
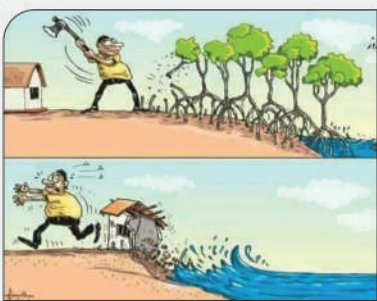
البته قابل ذکر است که آغاز امسال ابر و باد و مه و خورشید فلک همراه لغت‌نامه دهخدا دست در دست هم دادند تا وعده‌ها عملی شود.

برای این مژده تنها یک مثال کافی است که عدم برگشت به تجدد و واپسگرایی را مشاهده کنیم.

آری ما توسعه پیدا کردیم و ایران را یک پارچه تبدیل به ونیز کردیم بدون حضور اشخاص مهم و این یعنی مردم خود توسعه را پذیرفته‌اند و دست بکار شده‌اند تا واپسگرایی را تجربه نکنند. تا درچه‌های تمدن به رویشان گشوده شود، البته این‌ها را تماماً مدیون وعده هستییم؛ اگر این وعده‌ها نبود ما ونیز نمی‌شدیم، امید نداشتیم، توسعه‌ای حاصل نبود، درهای جهانی به رویمان باز نمی‌شد.

اما در صورتی که قدر بدانیم و در صلح و آرامش و ونیز وار ایران را بپذیریم بدون دخالت نیروی زور و تهدید، این را حتی دهخدا هم می‌داند که مژده و نوید تنها با لبخند و آرامش باید دعوت کرد نه با زور و تهدید.

کار --- کاتور



تولید داخلی ستون فقرات اقتصاد مقاومتی

زیبا دیندارلو (عضو شورای عمومی مجمع دانشجویی آرمان)

امام خامنه‌ای طی یک دهه اخیر هر سال را به عنوانی نامگذاری کرده‌اند که فلسفه‌ی این اقدام جلب توجه مردم به یک ارزش و یک مشکل است و نیز با اشرافی که به مسائل کشور دارند، هر سال مردم را به یک موضوع توجه می‌دهند و ایشان مشکل اصلی و فوری کشور را همچنان مشکل اقتصادی می‌دانند.

اقتصاد ما در درون دارای رقبای بسیار جدی است که باید آن‌ها را مهار کرد؛ در این جا به اختصار تعدادی از این رقبای را ذکر خواهیم کرد و در ادامه به توضیح تعدادی از مهم‌ترین مشکلات می‌پردازیم:

۱. آهنی، عضو هیئت مدیره کانون عالی کارفرمایان، عدم ثبات در قوانین، بی‌برنامگی‌های دولت، مشکلات انتقال ارز، پیچ‌وخم‌های اداری برای تأمین مواد اولیه خارجی توسط دستگاه‌های ذی‌ربط، قاچاق و دریافت مالیات بر ارزش افزوده از تولید، پایین بودن سطح دانش فنی در برخی صنایع که منجر به پایین بودن کیفیت و بالا بودن قیمت تمام شده گردیده است و همچنین عدم تربیت نیروهای متخصص به میزان کافی در هر رشته‌ای را که می‌توان

دلیل پایین بودن کیفیت دانست، ضمن اینکه اشکالاتی نیز در حوزه سیاستگذاری و ارتباطات در طول چهل سال حاکمیت سیاسی در کشور وجود داشته است که در کنار تحریم‌ها اثرات منفی در تولید و اقتصاد بر جای گذاشته است را به عنوان موانع و مشکلات توسعه‌ی تولید در کشور بر شمردند.

۲. یکی از کارآفرینان برتر: مشکل کشور، مدیران ترسوئی هستند که بخاطر جایگاه و میزبان حاضر به ریسک کردن برای تولید کشور نیستند، تقنین‌های زیاد و تعدد قانون‌های متناقض پشت سر هم است.

۳. از نظر کارشناس اقتصاد، وحید عزیزی، با تجمیع نظرات و گزارش‌های تولیدکنندگان، دو دغدغه‌ی مشترک برای حفظ و توسعه‌ی تولید، کمبود نقدینگی و فشار مالیاتی است که اصلاح نظام مالیاتی می‌تواند کلید حل هر دو مشکل باشد.

۴. در سال‌های اخیر فعالیت تولیدی سود چندان ندارد و همین سود کم هم به دلیل شفافیت و در دسترس بودن بیشتر به نسبت بخش‌های دیگر با اخذ مالیات‌های متنوعی چون مالیات بر درآمد شرکت‌ها و مالیات بر ارزش افزوده تحت فشار زیادی قرار دارد.

داستان یک مطالبه‌گری ساده



میان صفوف نماز چه می‌گذرد و چه کسانی و با چه مأموریت‌هایی سعی در منصرف کردن دانشجویان دارند، خود یک داستان مجزا و شنیدنی است که شاید در مجالی دیگر به آن بپردازیم. نماز تمام شده و مردم در حال خروجند و دست‌نوشته‌ها با سکوت مقابل دیدگان نمازگزاران به نمایش درآمده. یک نفر از میان دانشجویان می‌خواهد ماجرای زنجیره را به اطلاع نمازگزاران برساند که به یکباره یکی از اعضای شناخته شده شهرداری که شاید او را در تلویزیون هم دیده باشید شعاری عجیب سر می‌دهد: «مرگ بر منافق!»

گرچه کسی با او همراهی نمی‌کند اما او همینطور ادامه می‌دهد تا اینکه فضای آرام ابتدای زنجیره را با یک پایان اکشن (!) خاتمه دهد. نیروی انتظامی هم که از همان ابتدا روی خوشی به دانشجویان نشان نداده در کمال شگفتی تحت تأثیر تشنج ایجاد شده توسط اعضای محترم (!)

شهرداری تصمیم به بازداشت دانشجویان می‌گیرد تا مرزهای برخورد خوب و پسندیده با منتقد و معترض در صفا درنوردیده شود.

به هر حال این ماجرا نیز گذشت و روزها از پی یکدیگر می‌آیند و می‌گذرند، اما دانشجویان از برخورد ناشایستی که با آن‌ها شده چشم پوشیده‌اند و در عوض منتظرند تا شاهد سامان و تغییری در وضعیت شهرداری و پاکبان‌هایش باشند که متأسفانه همان هم آنطور که باید محقق نشده. بعد از این زنجیره دانشجویی پرداخت معوقات از سر گرفته شده اما به صورت ناقص و پاکبان‌های اخراجی هم که کماکان مورد غضبند. گرچه چندی پس از این اتفاق جلسه‌ای با حضور مسئولان شهر و البته بدون حضور هیچ‌کدام از دانشجویان حاضر در زنجیره

و همچنین بدون حضور نماینده‌ای از جانب پاکبان‌ها تشکیل شده و خروجی جلسه سر و سامان یافتن کامل قضایا در آینده نزدیک عنوان می‌شود، اما واقعیت کمی تا قس‌متی متفاوت است. پس از این اتفاق تشکل آرمان طی نامه‌ای خطاب به شهرداری صفا خواستار شفاف شدن برخی از مناقصه‌ها و اتفاقات رخ داده در این نهاد شده. شفافیتی که در صورت اجرا پرده از برخی علل نابسامانی‌های این شهر پرماجرا خواهد برداشت. گرچه تاکنون شهرداری در مواجهه با این نامه سکوت پیشه کرده و لب بر نمی‌گشاید.

جریان پاکبان‌ها خلاصه نمی‌شود و تحقیقات اعضای تشکل آرمان آن‌ها را به نابسامانی‌هایی (شما بخوانید تخلفاتی) به مراتب گسترده‌تر رسانده و شاید ادامه این سکوت آن‌ها را ناچار به افشاگری‌هایی در برخی زمینه‌ها کند...

این سکوت تا کجا ادامه خواهد داشت؟

اوایل اسفند سال ۹۷ است. خبرهایی از صفا و شهرداری این شهر جدید آویزان به شیراز به گوش می‌رسد. جریان ساده است: مدت مدیدی حقوق پاکبان‌های شهر صفا پرداخت نمی‌شود. پاکبان‌های درمانده از مخارج زندگی به ناچار تصمیم به اعتصاب و احقاق حق خود می‌کنند. شهردار، ناخشنود (شما بخوانید خشمگین) از این کار در میان پاکبانان حاضر می‌شود و نه تنها حسرت یک دلجویی و عذرخواهی ساده را به دل آنها می‌گذارد بلکه اقدام پاکبان‌ها را «بی‌خود» می‌خواند. بعد از این ماجرا نیز نه تنها همچنان معوقات پرداخت نمی‌شود بلکه حدود پانزده نفر از پاکبانان نیز به سمت در خروجی راهنمایی می‌شوند.

واکنش‌ها، نامه‌نگاری‌ها و بیانیه‌نویسی‌ها شروع شده اما تاکنون نتیجه‌ای در برنداشته و اصلاحی را سبب نشده. جریان دانشجویی پاکبان‌ها را مظلوم و تنها می‌بیند. چاره‌اندیشی‌ها و تلمبار افکار درون تشکل آرمان نهایتاً در شامگاه ۱۶ اسفند ۹۷ منجر به یک تصمیم ساده می‌شود: **تشکیل یک زنجیره انسانی برای اعتراضی رساتر به وضعیت پاکبانان شهر صفا در نماز جمعه این شهر.**

این تصمیم توسط دبیر مجمع با دوستان دانشجویی بسیجی نیز به اشتراک گذاشته شده و مورد استقبال قرار می‌گیرد. تصمیم بر این می‌شود که صبح روز بعد دانشجویان دغدغه‌مند عدالتخواه و بسیجی به اتفاق این تصمیم را عملی کنند. شاید خود آنها هم فکر نمی‌کردند چه واکنش نه چندان معمول و ناخوشایندی در انتظار آنهاست.

روز جمعه هفده اسفند فرامی‌رسد. اینکه در

آمادگی عظیم

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای

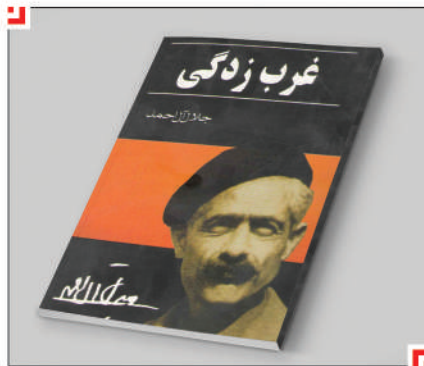


در دوران ظهور، تمدن و دنیای حقیقی اسلامی به وجود خواهد آمد. بعضی خیال می‌کنند دوران ظهور، آخر دنیاست! من عرض می‌کنم دوران ظهور، اول دنیاست. اول شروع حرکت انسان در صراط مستقیم الهی است با مانع کمتر یا بدون مانع با سرعت بیشتر با فراهم بودن همه‌ی امکانات. اگر صراط مستقیم الهی را مثل یک جاده فرض کنیم، همه‌ی انبیاء در این چند هزار سال گذشته آمده‌اند تا بشر را از کوره‌راه‌ها به این جاده برسانند. وقتی به این جاده رسید، سیر تندتر، همه‌جانبه‌تر، موفق‌تر و بی ضایعات یا کم‌ضایعات خواهد بود. دوره‌ی ظهور، دوره‌ای است که بشریت می‌تواند نفس راحتی بکشد؛ می‌تواند راه خدا را طی کند؛ همه‌ی این پدیده‌هایی که شما می‌بینید علیه محیط‌زیست و در آلوده سازی محیط زیست وجود دارد، ناشی از بد استفاده کردن از امکانات طبیعی است. بشر در این راه افتاده است و پیش می‌رود. خطی که نظام اسلامی ترسیم می‌کند، خط رسیدن به تمدن اسلامی است. بگویند امام زمان (عج) می‌آید و همه کارها را درست می‌کند! این، خراب کردن عقیده است. این، تبدیل کردن موتور محرک به یک چوب لای چرخ است امام زمان (عج) می‌آید انجام می‌دهد، یعنی چه؟! شما امروز باید چه بکنی؟ شما باید زمینه را آماده کنی. تا آن بزرگوار بتواند بیاید و در آن زمینه آماده، اقدام فرماید. از صفی که نمی‌شود شروع کرد! جامعه‌ای می‌تواند پذیرای مهدی موعود باشد که در آن آمادگی و قابلیت باشد والا مثل انبیاء و اولیای طول تاریخ می‌شود. چه علتی داشت که بسیاری از انبیای بزرگ اولی‌العزم آمدند و نتوانستند دنیا را از بدی‌ها پاک کنند؟ چرا؟ چون زمینه‌ها آماده نبود. چرا امیرالمؤمنین (ع) در زمان خودش با آن قدرت الهی، با آن نیروی اراده، با آن زیبایی‌ها و درخشندگی‌هایی که در شخصیت آن بزرگوار وجود داشت و با آن توصیه‌های پیامبر اکرم (ص) درباره او نتوانست ریشه بدی را بخشکاند؟ خود آن بزرگوار را از سر راه برداشتند! «قتل فی محراب عبادت لشدۀ عدله» تاوان عدالت امیرالمؤمنین، جان امیرالمؤمنین بود که از دست رفت! چرا؟ چون زمینه، زمینه نامساعد بود. زمینه را زمینه دنیاطلبی کرده بودند! آن کسانی که در اواخر یا اواسط حکومت علوی مقابل امیرالمؤمنین صف‌آرایی کردند کسانی بودند که زمینه‌های دینی شان زمینه‌های مستحکم و ماده غلیظ متناسب دینی نبود. عدم آمادگی، این‌طور فاجعه به بار می‌آورد! آن وقت اگر امام زمان در یک دنیای بدون آمادگی تشریف بیاورند، همان خواهد شد!

غرب‌زدگی

محمدحسین کیخا‌عضو شورای عمومی مجمع دانشجویی آرمان

«غرب‌زدگی» مشهورترین و چالش‌برانگیزترین کتاب جلال آل احمد به شمار می‌آید. آل احمد در این کتاب، نشانه‌ها و آثار ورود مدرنیزاسیون به ایران را بر سبک زندگی ایرانیان بررسی کرده است. از این منظر، آل احمد با مدرنیته مشکلی ندارد و جامعه‌ی خودی راه، به دلیل عدم پویایی و درج‌ازدن، به سختی مورد نکوهش قرار می‌دهد. بحث جلال آل احمد بر سر پذیرش مدرنیزاسیون بدون فراهم بودن زمینه‌ها و در نتیجه، عدم توجه به پیامدهای منفی چنین پذیرشی است. بنابراین بیش از آنکه به مبانی هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی مدرنیته پایبند باشد، ناهنجاری‌های ناشی از وارد کردن بی‌قید و شرط فناوری (مدرنیزاسیون) را به جامعه‌ای که تولیدکننده نیست، مورد بحث قرار داده است. آنچه آل احمد در انتقاد از غرب‌زدگی به قلم آورده است، به معنی نفی رابطه با غرب و انکار آن نیست: «چنین که از تاریخ بر می‌آید ما همیشه به غرب نظر داشته‌ایم؛ حتی اطلاق غربی را ما عنوان کرده‌ایم و پیش از آنکه فرنگان ما را شرقی بخوانند.» آل احمد نتیجه می‌گیرد که در طول سه قرن اخیر، رابطه‌ی شرق و غرب دگرگون شده است: «اکنون دیگر احساس رقابت در ما فراموش شده است و احساس درماندگی بر جایش نشسته و احساس عبودیت... جالب این است که عین غربی‌ها زن می‌بریم، عین ایشان ادای آزادی را در می‌آوریم. عین ایشان دنیا را خوب و بد می‌کنیم و لباس می‌پوشیم و چیز می‌نویسیم و اصلاً شب و روزمان وقتی شب و روز است که ایشان تأیید کرده باشند؛ جوری که انگار ملاک ما منسوخ شده است.»



پس «غرب‌زدگی» آل احمد به معنی ستیز و انکار غرب نیست، بلکه دل مشغولی روشن فکری است که بزرگ‌ترین تهدید برای جامعه‌ی خود را تغییر بدون پشتوانه و زمینه‌ی سبک زندگی می‌داند. آل احمد می‌نویسد: «ما شبیه به قومی از خود بیگانه‌ایم؛ در لباس و خانه و خوراک و ادب و مطبوعاتمان و خطرناک‌تر از همه در فرهنگمان.» «غرب‌زدگی» با آثار تولید شده، در نوع نگاه به جامعه‌ی خودی، متفاوت است. آن آثار بیشتر به انتقاد از فرهنگ خودی می‌پرداختند و سترونی این فرهنگ را پذیرفته بودند، در حالی که جلال آل احمد بی‌تحریکی فرهنگ خودی را با دلایل بیرونی و از جمله استعمار بررسی می‌کرد. به همین دلیل، آل احمد بر جنبه‌های منفی وارد کردن بی‌منطق فناوری و برهم خوردن حیات اقتصادی و اجتماعی ناشی از آن، متمرکز شده است. به عبارت دیگر، از دیدگاه جلال آل احمد، «بازگشت به خویشتن» هم شدنی و هم ضروری است. آنچه «غرب‌زدگی» را از آثار هم‌دوره‌اش متفاوت کرده زاویه‌ی نگاه و سبک نگارش است آل احمد تأثیر نامیمون ورود بی‌قید و شرط فناوری پیشرفته را بر سبک زندگی توده‌های مردم و بی‌هنجاری‌های اجتماعی ناشی از آن را علت اصلی عقب‌ماندگی ایران می‌داند. همه‌ی عزیزان را به مطالعه‌ی این کتاب سودمند دعوت می‌کنم.

نظرات ارسالی

خوانندگان نشریه و اعضای کانال آرمان به ادب

۰۹۳۸***۰۶۲۶

سلام. خوبه که توی کانالتون از پیشرفت‌ها در حوزه عدالتخواهی و خبرهای خوب هم گفته بشه.

۰۹۱۷***۰۸۳۵۲

از تبعیضی که اساتید بین دانشجویان می‌گذارن هم بگید. متأسفانه بعضی اساتید به چشم و ابرو نمره میدن. نمره کسی که احتمال پاس شدن نداشته با نمره منی که انقدر خونده بودم فقط دو نمره اختلاف داشت. نظارتی روی نمره دادن‌ها نمیشه؟

۰۹۱۷***۰۲۸۳۵

سلام بر شما.

اگر موضوع جایگزین کردن فرزندان معلم‌ها به جای اون‌ها رو هم پیگیری کنید خیلی خوب میشه. خیلی از اون‌ها ممکنه به معلمی علاقه نداشته باشن اما به صرف اینکه به حقوق ثابت داره این کار رو انتخاب کنن و فرصت معلم شدن از کسی که استعداد و علاقه این کار رو داره گرفته بشه. عین بی عدالتیه این قانون. باید شایسته‌گزینی وجود داشته باشه.

۰۹۱۸***۰۱۴۲۸

سلام. کاش نشریه تونورنگی چاپ می‌کردید.

دانشجویان عزیز می‌توانید نظرات خود را به شماره ۰۹۹۰۱۳۸۵۰۳۵ و یا به آدرس @armanshirazu ارسال کنید.....

گزارش تصویری

تناقض‌های همیشگی آمریکا!



بیابانه آمریکا به ایران در زمانی که سیل یک ماه در آمریکا کنترل نشده است



ادعای آمادگی آمریکا جهت کمک به مشکل سیل در ایران!



مسدود کردن حساب بین‌المللی کمیته امداد امام خمینی (ع) توسط آمریکا

شناسنامه

آرمانشهر
گاهنامه فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی دانشگاه شیراز
سال چهارم - شماره بیستم
شماره مجوز: ۴۳۰/کنش
صاحب امتیاز: مجمع دانشجویی آرمان دانشگاه شیراز
مدیرمسئول و سردبیر: فهیمه نیکخو
دبیر تحریریه: مریم عطارزاده
هیئت تحریریه:
حسین ابراهیمی، نازنین آرمان، فائزه آقا، موهبت آوازه، فاطمه حیدری، رحیم خدابخشی، زینب دیندارلو، زینب رئیسی، احمدشهبازی، محدثه فلاح، مهدیه کریمی، محمدحسین کیخا، سیاوش علی‌نژاد، مریم عطارزاده، حمید محمدپور، فهیمه نیکخو
طراح و صفحه‌آرا: محمد مهدیان‌فر



سفره هفت سین وزارت امور خارجه آمریکا